

## مفهوم نوین استراتژیک ناتو (۲۰۱۰) و پیامدهای امنیتی آن در روابط ناتو و روسیه

قدرت احمدیان<sup>۱</sup>

صالح بلوکی<sup>۲</sup>

مریم صارمی فرد<sup>۳</sup>

ساختار نوین نظام بین‌الملل، چالش‌ها و تهدیدهای گسترده و مشترکی را برای ناتو و روسیه به دنبال داشته است. بر این اساس پیمان آتلانتیک شمالی مفهوم استراتژیک خود را در لیسبون پرتغال در سال ۲۰۱۰ به فعالیت‌های موثری در سه زمینه دفاع دسته‌جمعی، مدیریت بحران و همکاری امنیتی متمرکز ساخته و تاکید دارد که تهدیدهای هزاره سوم موجب فراهم شدن زمینه‌های لازم برای ایفای نقش بیشتر ناتو در دوسوی آتلانتیک و کل نظام بین‌الملل شده و این امر بازتعریف مفاهیم استراتژیک ناتو و همکاری این پیمان را با روسیه ضروری می‌سازد. تحقیق حاضر درصدد است تا نشان دهد که به دنبال تهدیدهای مشترک نوین، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به انجام همکاری‌های امنیتی در حوزه‌هایی همچون تروریسم، افغانستان، تکثیر سلاح کشتار جمعی و سپر دفاع موشکی با روسیه مبادرت ورزیده و موجب نزدیکی این دو بازیگر برجسته نظام بین‌الملل گردیده است. روسیه و ناتو به خوبی درک نموده‌اند که تهدیدهای نوین امنیتی نظام بین‌الملل که در بسیاری از موارد، تهدیدهای مشترک این دو بازیگر نیز تلقی می‌شوند، تنها از طریق همکاری‌های امنیتی مشترک قابل بررسی و حل می‌باشد و مفهوم استراتژیک نوین با اذعان به این مسئله، موجب افزایش همکاری‌های امنیتی ناتو و روسیه شده است.

**واژگان کلیدی:** ناتو، مفهوم استراتژیک، همکاری‌های امنیتی، موازنه قدرت و روسیه.

---

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران. Email:ghudratt@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات اروپا، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Email:salehbulouki@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات اروپا، دانشگاه تهران، ایران. Email:msaremi962@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۲۹، تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۴

## مقدمه

نشست سران ناتو در ۱۹ و ۲۰ نوامبر ۲۰۱۰ در لیسبون پرتغال به عنوان نقطه عطف جدیدی در تاریخ این سازمان تلقی شد که در آن اجلاس، استراتژی ناتو برای ۱۰ سال آینده مورد بررسی و تصویب قرار گرفت. استراتژی جدید ناتو که تحت عنوان «مفهوم استراتژیک نوین ناتو»<sup>۱</sup> خوانده می‌شود، بیش از یک سال توسط یک گروه کارشناسی مورد تحلیل قرار گرفت. بر این اساس این سازمان جهت تجدید حیات فلسفه وجودی خود به بازتعریف مجدد مأموریت‌های سازمان پس از مفهوم استراتژیک مصوب سال ۱۹۹۹ پرداخته و به راهبردهای نوینی در عرصه نظام بین‌الملل روی آورد.

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ناتو همواره با مسئله توجیه بقای خویش و نوع تعامل با روسیه روبه‌رو بوده است که در این راستا طرح همکاری با روسیه، طی سال‌های گذشته فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. از این رو، یکی از مباحث اصلی اجلاس لیسبون به بازتعریف روابط ناتو با روسیه اختصاص داشته است. در همین راستا پس از پایان جنگ سرد در این سازمان، همواره تلاش‌هایی صورت گرفته تا همکاری‌هایی با روسیه در قالب نهادهایی همچون شورای همکاری ناتو- روسیه «ان آر سی»<sup>۲</sup> شکل بگیرد. با این حال، سیاست‌های ناتو از جمله پذیرش اعضای جدید و حرکت به سمت شرق که به پذیرش عضویت کشورهای اروپای شرقی منجر شد و تعداد اعضای اولیه ناتو را از ۱۶ عضو به ۲۸ عضو افزایش داد، با واکنش شدید و مخالفت صریح روسیه مواجه گردید؛ چرا که روسیه برخی از این کشورها را، حیاط خلوت خود تلقی می‌کرد. اوج این مخالفت‌ها در زمان طرح عضویت اوکراین و گرجستان به ناتو نمایان شد. بر این اساس ناتو با دو مسئله پیچیده روبه‌رو است؛ یکی تعامل با روسیه و از بین بردن فضای جنگ سرد و دیگری، تعقیب استراتژی حرکت به سمت شرق و پذیرفتن اعضای جدید. البته به باور سران پیمان در شرایط فعلی که نظام بین‌الملل با تهدیدهای نوین امنیتی روبه‌رو است؛ به نظر می‌رسد که بهبود روابط با روسیه و همسو ساختن این کشور با اهداف ناتو از اولویت بالاتری نسبت به اختلاف‌های موجود با روسیه از جمله پذیرش اعضای جدید برخوردار است. اکنون با توجه به مسائل یادشده و تأکید بر مفهوم جدید استراتژیک ۲۰۱۰ ناتو، این پرسش مطرح می‌شود که مفهوم

1. New Strategic Concept of NATO

2. NATO-Russia Council (NRC)

استراتژیک نوین ناتو چه تاثیری بر روابط امنیتی ناتو با روسیه داشته است؟ بنابراین هدف از انجام این پژوهش، بررسی تاثیر مفهوم استراتژیک جدید ناتو که در لیسبون در سال ۲۰۱۰ مورد تصویب سران ناتو قرار گرفت، بر روابط امنیتی ناتو و روسیه است.

پس از تصویب معاهده لیسبون و ارائه مفهوم استراتژیک نوینی از ناتو که روسیه در آن نقش مهمی ایفا می‌کند، بررسی آثار این معاهده برای روسیه و ناتو دارای اهمیت به‌سزایی می‌باشد. الگوی برگزیده برای این موضوع تصویری از مفهوم موازنه قوا از منظر کنت والتز<sup>۱</sup> می‌باشد. براساس تصویری از این چارچوب نظری، حل مناقشات امنیتی نظام بین‌الملل، موجب همکاری و نزدیکی روابط ناتو و روسیه می‌شود، تا به نحوی از تاثیرهای مخرب تهدیدهای نوین امنیتی که نظام بین‌الملل را احاطه کرده است و توانایی تغییر اساسی در نوع آرایش قدرت در عرصه بین‌المللی را دارد، جلوگیری گردد. در بیانی کلی، تلاش شده است تا در این پژوهش نشان داده شود که مفهوم نوین استراتژیک ناتو در نشست لیسبون ۲۰۱۰ موجب افزایش همکاری‌های امنیتی این سازمان با روسیه شده است.

در این تحقیق ابتدا با ارائه تصویری از تحلیل نظری والتز به چگونگی افزایش همکاری‌های ناتو و روسیه براساس این چارچوب نظری پرداخته و سپس با نگاهی گذرا به مفاهیم استراتژیک ناتو به بررسی مفهوم استراتژیک نوین ناتو در نشست لیسبون پرداخته و افزایش همکاری‌های امنیتی این سازمان با روسیه مورد اشاره قرار گرفته است.

### چارچوب نظری

به طور کلی، واقع‌گرایی ساختاری بر خلاف واقع‌گرایی کلاسیک نه تنها تمایل چندانی به زور نشان نمی‌دهد، بلکه به همکاری‌های بین‌المللی علاوه بر وجود تعارض‌ها و ستیزها توجه دارد. به عبارت دیگر، این رویکرد نسبت به همکاری بین واحدها خوشبین است. از نظر واقع‌گرایان ساختاری، همکاری گریزناپذیر می‌باشد؛ چرا که بازیگران از طریق همکاری از فرصت وسیع برخوردار می‌گردند که با وجود محدودیت منابع با دسترسی به منابع دیگر، رسیدن به اهداف خود را تسهیل کنند (دهشیار، ۱۳۸۶: ۸۰). در تحلیل نوواقع‌گرایانی همچون کنت والتز، (که تصویری از آن پایه تحلیل این پژوهش نیز می‌باشد) سیاست بین‌الملل به سوی موازنه گرایش داشته و به سمت توازن قدرت توجه دارد. توازنی

---

<sup>1</sup>. Kenneth Waltz

که به دو گونه داخلی (انباشت قدرت درون دولت‌ها) و بیرونی (اتحاد دولت‌ها برابر هژمون یا تهدید مشترک جدید) قابل تصور است.

براساس آن بخش از تحلیل والتز در خصوص وضعیت آنارشی نظام بین‌الملل که به دنبال خود، خودیاری و یا اتحاد را جهت مقابله با تهدیدها به همراه دارد، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل، همکاری میان ناتو و روسیه را می‌تواند ایجاد کند؛ با این فرض که تهدیدهای نوین امنیتی، توانایی تغییر ساختار نظام بین‌الملل را داشته و امنیت بازیگران نظام بین‌الملل را با خطر جدی مواجهه می‌سازد. بر این اساس همکاری روسیه و ناتو موجب حذف و یا کاهش تهدیدهای نوین امنیتی می‌گردد که دو طرف را می‌تواند مورد هدف قرار دهد؛ زیرا به باور والتز بازیگران نظام بین‌الملل جویندگان امنیت هستند.

طبق نظریه واقع‌گرایی ساختاری، انگیزه اصلی همکاری بین دولت‌ها این است که به افزایش کارایی متقابل برای رسیدن به رفاه و امنیت بیانجامد. نواقعی‌گرایان بر این باور هستند، آنچه همکاری را در درجه اول دشوار می‌سازد، دقیقاً مسئله توزیع قدرت است. دولت‌ها بر اثر علاقه‌ای که به بقا و استقلال دارند به شدت در مورد کاهش توانایی‌های نسبی خود حساسیت دارند (Grieco, 1998: 37).

بر اساس تحلیل والتز قدرت‌های بزرگ می‌دانند که برای بقا در یک نظام چند قطبی رقابتی، گاهی به کمک یکدیگر نیازمند هستند و در نتیجه به «رویه‌های موفقیت‌آمیزی» روی می‌آورند و به انجام قراردادهای دیپلماتیک توجه دارند. البته از نظر او چرایی پایبندی قدرت‌های بزرگ به این میثاق‌ها به دلیل سودمندی آنها است. بر این اساس، می‌توان همکاری ناتو و روسیه را توجیهی برای بقا هر دو از طریق مقابله مشترک با تهدیدهای نوین امنیتی دانست. توجیهی که منافع دوطرف را در پی خواهد داشت.

به باور والتز در نظام بین‌الملل که آنارشی مشخصه اصلی آن است و هیچ قدرت یا دولت فراملی برای اجرای قوانین وجود ندارد، رفتاری که کشورها از سوی نظام به آن واداشته می‌شوند، ایجاد توازن است. به بیانی در وضعیت آنارشیک نظام بین‌الملل، موازنه قدرت همچون دست نامرئی آدام اسمیت در بازار عمل می‌کند (سازمند و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۶۲). بر این اساس نظم آنارشیک نظام بین‌الملل، ناتو و روسیه را مجبور ساخته تا جهت مقابله به تهدیدهای نوین بین‌المللی که توانایی برهم‌زدن امنیت هردوی این بازیگران را داشته به همکاری با یکدیگر پرداخته و موازنه قدرت حاکم بر نظام بین‌الملل را حفظ نمایند. در همین

راستا با توجه به بیان والتز مبنی بر اینکه سیاست موازنه قوا هر جا که دو مسئله نظم آنارشیکی و توافق کشورهای که به دنبال بقا هستند، وجود داشته باشد، غالب می‌گردد، می‌توان اذعان نمود که روسیه و ناتو برای حفظ نظم آنارشیکی موجود و حفظ بقای خود به همکاری در حوزه‌های مشترک تهدید امنیتی می‌پردازند.

همچنین، والتز بیان می‌کند که تغییر ساختار سیاسی موجب تغییر چگونگی رفتار بازیگران سیاسی و در نتیجه روابط آنها خواهد شد. روسیه و ناتو می‌دانند که همکاری آنها در حوزه مسائل امنیتی می‌تواند، تهدیدهای نوین را خنثی نماید و مفهوم نوین استراتژیک ناتو بر همین اساس در صدد نزدیکی این دو بازیگر می‌باشد تا از این وادی به حفظ امنیت نظام بین‌الملل نائل آید و از تغییر ساختار نظام بین‌الملل به ضرر هر دو بازیگر جلوگیری نماید.

## مفاهیم استراتژیک ناتو

### مفهوم استراتژیک

واژه استراتژی از ریشه یونانی استراتژی<sup>۱</sup> است که خود از واژه استراتجوس<sup>۲</sup> به معنای ژنرال ارتش مشتق شده است. استریتوس<sup>۳</sup> به معنای ارتش و اسو<sup>۴</sup> به معنای هدایت است. در عمل استراتجیم<sup>۵</sup> به مفهوم هر اقدام یا مانوری اطلاق می‌شود که هدف آن فریب یا غافلگیری دشمن باشد و در نتیجه استراتژی نیز یک روش، طرح یا استراتجیم برای نیل به یک هدف تعریف شد. انجمن مطالعات عالی نظامی وابسته به پنتاگون یا وزارت دفاع امریکا نیز در سال ۱۹۳۶ تعریفی از استراتژی به دست داد: «استراتژی، علم و فن توسعه و کاربرد قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت به هنگام صلح و جنگ و به منظور تامین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال پیروزی و تقلیل احتمال شکست است» (از غندی و روشندل، ۱۳۸۲: ۵-۶).

مفهوم استراتژیک یک سند رسمی برگرفته از یک طرح کلی با هدف‌های پایه‌ای و شناخت ماهیت ماموریت‌های بنیادی امنیتی است؛ همچنین ویژگی‌های اصلی محیط امنیتی

---

<sup>1</sup>. Strategema

<sup>2</sup>. Strategos

<sup>3</sup>. Stratus

<sup>4</sup>. Aso

<sup>5</sup>. Stratagem

جدید به عناصری درباره امنیت و تهیه راهنمایی برای سازواری نیروهای نظامی وابسته است. به طور خلاصه مفهوم استراتژیک، بازیگران را برای مواجهه با چالش‌های امنیتی مجهز می‌کند و توسعه سیاسی و نظامی آینده آن را هدایت می‌کند (Baltes, 2011: 14)، تحول در گستره معانی، ویژگی پایدار هر سازمانی است. از زمان تشکیل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو به صورت منظم در کارها و اهداف خود، نظر به تحول در محیط امنیتی، تغییراتی را به وجود آورده است. از زمان تشکیل ناتو سه مفهوم استراتژیک اصلی در درون ناتو وجود داشته است:

۱- دوره جنگ سرد؛

۲- دوره بلافاصله پس از جنگ سرد؛

۳- دوره پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱.

نخستین مفهوم استراتژیک تحت عنوان «مفهوم استراتژیک برای دفاع از منطقه آتلانتیک شمالی» در اکتبر ۱۹۴۹ تدوین شد. تدوین و تصویب دومین مفهوم به سال ۱۹۹۹ باز می‌گردد و سومین مفهوم استراتژیک در ۲۰۱۰ مورد تصویب اعضا قرار گرفت (Ibid: 14). بر این اساس می‌توان گفت، مفهوم استراتژیک در واقع سند اصلی ناتو در راستای اجماع فراآتلانتیکی است تا از این طریق محیط امنیتی نظام بین‌الملل و چالش‌های آن مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و امنیت اعضا در عرصه بین‌المللی تامین گردد.

#### نخستین مفهوم استراتژیک ناتو (۱۹۴۹)

اصول سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به طور رسمی در ۴ آوریل ۱۹۴۹ با امضا معاهده آتلانتیک شمالی تنظیم و تحت عنوان معاهده واشنگتن مورد تصویب اعضا قرار گرفت. این معاهده اعضا را برای حمایت از همدیگر، گرد هم جمع می‌کند و موجب گسترش اتحاد در میان آنها می‌شود. برخی از امضاکنندگان پیمان فقط خواستار همکاری نظامی نبودند، بلکه آنها خواستار گسترش همکاری در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی نیز بودند. حوزه جغرافیایی پیمان بر حسب اعضا و مسئولیت مناطق از موضوعاتی بود که نظرهای متفاوتی در مورد آن وجود داشت. ایالات متحده و انگلستان بیشتر خواهان حفظ ناتو به عنوان یک سازمان منطقه‌ای بودند؛ در حالی که سایر کشورها از قبیل فرانسه احساس می‌کردند که ناتو باید نقش جهانی داشته باشد. از سوی دیگر انگلستان در صدد بود، دامنه پیمان را کوچک کند و از تعهدها برای کشورهای پیرامونی جلوگیری کند. در حالی که

ایالات متحده از دعوت کشورهای ضعیف یا کشورهای که بیشتر امکان تهدید و تجاوز اتحاد جماهیر شوروی به آنان وجود داشت، استقبال می‌کرد. در واقع، پیمان، هریک از اعضا را به سهمی شدن در ترس، مسئولیت و منافع دفاع دسته‌جمعی متعهد می‌کند و آنها مجاز به وارد شدن به تعهدهای بین‌المللی که در تضاد با پیمان باشد، نبودند. همچنین آنان را به اهداف و اصول منشور ملل، متعهد می‌کرد و بیان می‌داشت، اعضای ناتو، مجمع منحصر به فردی از ارزش‌ها و اصول آزادی فردی، دموکراسی، حقوق بشر و اجرای قانون است (<http://www.nato.int/cps/en/natolive/topics-67656.htm>)، این مفهوم تحت عنوان «مفهوم استراتژیک برای دفاع از منطقه آتلانتیک شمالی» در اکتبر ۱۹۴۹ نام گرفت.

### دومین مفهوم استراتژیک ناتو (۱۹۹۹)

مفهوم استراتژیک ۱۹۹۹ به وسیله سران دولت‌های شرکت‌کننده در نشست شورای آتلانتیک شمالی در واشنگتن در آوریل ۱۹۹۹ به تصویب رسید. براساس این مفهوم، ناتو به صورت موفقیت‌آمیزی آزادی اعضا و جلوگیری از جنگ در اروپا را طی چهل سال پس از جنگ سرد، تضمین کرد. همچنین ناتو نقش مستقلی در برقراری همکاری صلح‌آمیز شرق و غرب ایفا می‌کند. در واقع، تغییرهای چشمگیری در چشم‌انداز استراتژیک اروپا-آتلانتیک با پایان جنگ سرد به وجود آمد که در مفهوم استراتژیک ۱۹۹۱ منعکس شد. موفقیت در اروپا فرصت‌های چندگانه‌ای را برای گفتگوی ناتو با اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورها فراهم می‌آورد. پیمان ناتو، روابط دیپلماتیک منظم و ارتباط بیشتر با کشورهای شرقی و مرکزی اروپا را بر طبق اعلامیه لندن فراهم آورد. خواست پیمان، انجام گفتگوهای بیشتر از طریق روابط دیپلماتیک منظم از جمله تبادل نظر و آگاهی از مسائل سیاسی امنیتی بود. از طریق چنین ابزارهایی، متحدین به صورت انفرادی و دسته‌جمعی، بیشتر به رشد آزادی و دموکراسی در سراسر اروپا ترغیب می‌شوند. مفهوم استراتژیک، تصدیقی دوباره بر ماهیت دفاعی پیمان و تصمیم‌گیری در جهت حفاظت از امنیت و تمامیت سرزمینی و حکومتی اعضای خود است. سیاست امنیتی پیمان بر مبنای گفتگو، همکاری و دفاع دسته‌جمعی به عنوان ابزارهای تقویت‌کننده چندجانبه برای حفظ صلح است. با استفاده کامل از فرصت‌های جدید موجود، ناتو امنیت را در پایین‌ترین سطح ممکن از طریق نظامی و با استفاده از امکانات دفاعی فراهم خواهد کرد. در این راه، پیمان یک همکاری اساسی برای گسترش نظامی صلح‌آمیز و با دوام ایجاد خواهد

کرد ([http://www.nato.int/cps/en/natolive/topics\\_82717.htm](http://www.nato.int/cps/en/natolive/topics_82717.htm))، استراتژی ناتو در سال ۱۹۹۹ به صورتی منعطف، برای توسعه بیشتر در محیط سیاسی - نظامی و حرکت به سوی هویت امنیتی اروپایی و هر نوع تغییر در خطرهای احتمالی برای امنیت پیمان، تاکید دارد.

مفهوم استراتژیک ناتو در ۱۹۹۹، امنیت سازمان و اعضای آن را در ادامه «مشارکت گسترده متحدان اروپایی در راستای دفاع دسته جمعی» قرار داده و همچنان ادبیات تضمین برتر را که در جنگ سرد برای توجیه برنامه‌های هسته‌ای اعضا به کار می‌رفت را مورد استفاده قرار داد. بر اساس استراتژی کلان ناتو که در سال ۱۹۹۹ تدوین شده است ناتو اجازه یافته تا در محدوده‌هایی خارج از کشورهای عضو خود وارد عمل شود. حضور در افغانستان یا سواحل سومالی برای مبارزه با تروریسم و راهزنی دریایی در چارچوب همین استراتژی ممکن شده است (احدی، ۱۳۸۹: ۳۷).

### مفهوم استراتژیک نوین ناتو در سال ۲۰۱۰

راهبرد جدید به دنبال تغییرات به وجود آمده در فضای امنیتی و متغیر نظام بین‌الملل، سران سازمان پیمان آتلانتیک شمالی را به تدوین سند چشم‌انداز ده ساله واداشت. با پایان زمان سند مذکور (۱۹۹۹-۲۰۰۹) بازخوانی این سند براساس نگاه جدید به تهدیدهای جهانی در دستور کار سران سازمان قرار گرفت؛ به باور بسیاری از تحلیلگران، نقش آینده ناتو به میزان قابل توجهی به توانایی سازمان در برخورد با محیط امنیتی نوین و چگونگی رویارویی با چالش‌های امنیتی جدید بستگی دارد.

آنچه بیش از همه در سند مفهوم نوین استراتژیک در نشست لیسبون در سال ۲۰۱۰ مورد توجه قرار گرفت، چگونگی مقابله با تهدیدهای نامتقارن، تروریسم، اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، جرایم سایبری، دزدی دریایی و نحوه تعامل و رفتار با روسیه بود. اعضای ناتو آغاز روند تدوین مفهوم استراتژیک نوین را به صورت رسمی در کنفرانسی در بروکسل در ژوئیه ۲۰۰۹ آغاز نمودند. نشست استراسبورگ ادامه این روند بود که سرانجام در نشست ۲۰۱۰ لیسبون به تصویب سران پیمان رسید.



فقدان تهدید روسیه به مانند قبل و روند جهانی شدن، تهدیدهای پیچیده‌تری را برای ناتو به وجود آورده که نتیجه آن سرگردانی در میان سران ناتو بوده است. راسموسن<sup>۱</sup>، دبیرکل ناتو در همین زمینه در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۹ بیان می‌کند، "قبل از این هرگز محیط امنیتی به این میزان پیچیده نبود. ما باید در کشورهای بیشتری حتی بیش از قبل حضور داشته باشیم. این دلیل چرایی اهمیت مفهوم جدید استراتژیک است. در بازنگری مفهوم استراتژیک ناتو، تعریف گسترده‌ای از امنیت پذیرفته شده است و تعهد برای مقابله با چالش‌های امنیتی جدید بیان شده است" (Wagnsson, 2012: 483).

در نشست لیسبون اعضای ناتو پنج سند مهم و کلیدی را به تصویب رساندند؛ سند اول «مفهوم نوین راهبردی ناتو» بود که با عنوان «مشارکت فعال، دفاع مدرن: مفهوم نوین استراتژیک ناتو» در ۱۱ صفحه و ۳۸ بند به تصویب اعضا رسید. در این سند اصول و وظایف کلی سازمان برای یک دهه آینده ترسیم و نوع تعریف از محیط امنیتی مشخص شد. سند بعدی شامل ۵۴ بند است که در واقع، خلاصه‌ای از مجموعه مباحث و تصمیمات اتخاذ شده در این نشست بود. بیانیه مشترک شورای ناتو-روسیه، سند دیگر نشست لیسبون است که در پایان نشست شورای ناتو-روسیه در سطح سران ارائه شد. چهارمین مورد، سندی با عنوان اعلامیه ناتو و افغانستان در زمینه مشارکت پایدار بود که رویکرد ناتو در افغانستان را طی سال‌های آینده مشخص کرده است. آخرین سند نیز، اعلامیه‌ای بود که سران دولت‌های مشارکت کننده در عملیات افغانستان یا همان کشورهای «پساف»<sup>۲</sup> شامل ۴۸ کشور ارائه کردند ([http://www.nato.int/cps/en/natolive/events\\_66529.htm](http://www.nato.int/cps/en/natolive/events_66529.htm)).

در مفهوم جدید استراتژیک، ناتو توانایی خود را در هماهنگی با واقعیت‌های جدید ساختار نظام بین‌الملل و اتخاذ تصمیم‌های عقلایی براساس روابط امنیتی جدید به مانند یک سازمان امنیتی به اثبات می‌رساند. ظهور تهدیدهای نوین امنیتی و اهمیت همکاری با شرکا در سراسر جهان همگی موجب شده است که ناتو در وضعیت استراتژیک خود تغییراتی به وجود آورد. مفهوم استراتژیک نوین انعکاسی از تغییر محیط نظام بین‌الملل است. بر این اساس از اهداف اصلی تصویب مفهوم استراتژیک جدید در نشست لیسبون در سال ۲۰۱۰،

---

<sup>۱</sup>.Rasmussen

<sup>۲</sup>. International Security Assistance Force (ISAF)

افزایش امنیت سازمان از طریق همکاری بیشتر با سایر سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های شریک بود. مهم‌ترین وظایف ناتو براساس مفهوم نوین استراتژیک بدین شرح بیان شده است: **الف) دفاع دسته‌جمعی:** کشورها به یکدیگر در برابر حمله بر طبق ماده ۵ پیمان واشنگتن کمک می‌کنند. آثار با دوام این التزام و تعهد بر بازداشتن و دفاع در برابر هر تهدید و ظهور چالش‌های امنیتی به صورت کلی و جزئی می‌باشد.

**ب) مدیریت بحران:** ناتو یک سازمان منحصر به فرد و دستگاهی عظیم با ظرفیت‌های سیاسی و نظامی برای مقابله با طیف کاملی از بحران‌ها، قبل از شکل‌گیری بحران، زمان وقوع بحران و پس از وقوع بحران است. ناتو ابزارهای مناسب سیاسی و نظامی جهت مدیریت بحران‌هایی که ظرفیت تاثیر بر امنیت را دارند در اختیار دارد.

**ج) همکاری امنیتی:** ناتو متعهد است، امنیت بین‌المللی را از طریق مشارکت با کشورها و سایر سازمان‌های بین‌المللی برقرار کند که این امر به وسیله همکاری فعال در کنترل سلاح، عدم تکثیر و خلع سلاح و حفظ درهای باز برای عضویت همه دموکراسی‌های اروپایی که مطابق معیارهای ناتو هستند، صورت می‌گیرد (Baltes, 2011: 19).

همچنین، رهبران ناتو تصمیم گرفته‌اند، اهمیت بیشتری را برای مشارکت انعطاف‌پذیر و فراگیر قائل شوند. به علاوه جهت حمایت از کنترل خلع سلاح و عدم تکثیر، ناتو اقداماتی را برای تقویت با مشارکت شرکا در نظر گرفته است. این موضوع شامل طرح‌هایی برای تقویت گفتگوی سیاسی در جهت عضویت شرکای جدید در سراسر نظام بین‌الملل است. ناتو همزمان همکاری با اعضای شورای مشارکت یورو-آتلانتیک، گفتگوی مدیترانه، ابتکار مشارکت با رژیم صهیونیستی و مشارکت با روسیه را توسعه می‌دهد. در لیسبون شورای ناتو-روسیه، راه به سوی یک استراتژی مشارکت حقیقی بین پیمان و فدراسیون روسیه را آغاز کرد. تحلیل مشترک از چالش‌های امنیتی فراگیر قرن ۲۱، شناسایی منافع مشترک و با اهمیت، از جمله مقابله با تروریسم، مواد مخدر، دزدی دریایی و... مورد تایید و همچنین علاوه بر این بحث همکاری دفاع موشکی و ادامه گفتگو برای ارزیابی مشترک از تهدیدهای موشکی بالستیک، مورد توافق قرار گرفت. از طرفی، بر همکاری بیشتر با سازمان ملل و اتحادیه اروپا نیز در این خصوص نیز تاکید شد (Ibid: 6).

به طور کلی، مفهوم استراتژیک ۲۰۱۰ بر تامین امنیت بین‌المللی از طریق همکاری تاکید دارد. ریشه چنین همکاری‌هایی در پیگیری امنیت در پایین‌ترین سطح ممکن به وسیله

حمایت از کنترل نیروهای نظامی در خصوص خلع سلاح و عدم تکثیر است. مفهوم استراتژیک، انعطاف‌پذیری و روابط با شرکای سازمان در سطح جهانی و تلاش برای رسیدن به همکاری پابرجا با سازمان ملل و اتحادیه اروپا را به نمایش می‌گذارد. همچنین این مفهوم یک مشارکت استراتژیک واقعی را با روسیه خواستار است و توسعه روابط با کشورهای مدیترانه و خلیج فارس را تصریح می‌کند (Ibid: 23). بسیاری از تحلیلگران بر این باور هستند که مفهوم نوین در نهایت به این نتیجه می‌رسد که تمایزی میان امنیت داخلی و خارجی وجود ندارد. به باور کارشناسان با تصویب سند مفهوم نوین استراتژیک ناتو، شاهد نقش‌آفرینی بیشتر ناتو در عرصه سیاست و امنیت بین‌الملل خواهیم بود.

از این رو، اجلاس ناتو در لیسبون پرتغال از نگاه کارشناسان و تحلیلگران بسیار مورد توجه قرار گرفت. آینده استراتژیک سازمان در دهه پیش‌رو، نوع نگاه سازمان به روسیه، تعریفی جدید از ماموریت‌های سازمان و اعمال تغییرات ساختاری از جمله محورهای اصلی اجلاس بوده است. بر این اساس اعضای نشست لیسبون، رویکرد خود را نسبت به دو مورد جدی و مهم تغییر دادند و راه جدیدی را برای تداوم فعالیت‌های ناتو باز کردند. از سویی پیمان ناتو راهبرد خود را در مورد تهدیدهای نوینی که اروپا و آمریکا را در معرض خطر قرار داده، مشخص و تاکید نمود که غرب امروزه بیشتر در معرض خطرهای غیرمتعارف و هسته‌ای قرار دارد. همچنین از سوی دیگر برای نیل به امنیت پایدار، تصمیم گرفته شد تا اختلاف‌ها با روسیه کنار گذاشته شود و همکاری‌ها را گسترش دهند. آنچه می‌توان تحلیل کرد این مسئله می‌باشد که امروزه ناتو و روسیه نگرانی‌های امنیتی بیشتری از آنچه که پس از جنگ سرد با آن مواجه بوده، دارند. نگرانی‌هایی که شامل تهدیدها و بی‌ثباتی‌ها در افغانستان و همسایگان منطقه، محدودسازی کشمکش‌های منطقه‌ای، تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی و فناوری موشکی و تهدیدهایی که به وسیله بازیگران غیردولتی از جمله شبکه‌های تروریستی و جنایت‌های سازمان‌یافته نمایان می‌شود. در کنار این مسائل عواقب بحران مالی جهانی نیز موجب شده روسیه و ناتو تمایل بیشتری به همکاری با هم، جهت مقابله با مشکلات و تهدیدهای مشترک داشته باشند.

ناتو در شرایط جدید بین‌المللی خصوصاً بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با ارائه تعریف جدیدی از تهدیدهای امنیتی که نظام بین‌الملل را در بر می‌گیرد، (از آن جمله؛ تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، اختلاف‌های قومی و نژادی، جرایم سازمان یافته بین‌المللی،

تروریسم، مهاجرت و حمله‌های سایبری) زمینه را برای ایفای نقش نه تنها در دو سوی آتلانتیک، بلکه در هر منطقه‌ای از جهان که منافع آن ایجاب می‌کند، فراهم ساخته است. ناتو بر اساس این شرایط جدید به تدوین استراتژی نوین خود دست زده که از نکته‌های اساسی آن نوع نگاه به روسیه و تعامل با این بازیگر نظام بین‌الملل و حضور فعالتر در عرصه جهانی و درگیر ساختن سازمان با مسائل و مناقشه‌های نظام بین‌الملل است.

روسیه در اوایل دهه ۱۹۹۰ به‌رغم دشمنی با سازمان ناتو، همکاری با ناتو را مورد توجه قرار داده است. همکاری در اشکال؛ عضویت روسیه در مشارکت برای صلح در سال ۱۹۹۴، امضاء «طرح اقدام»<sup>۱</sup>، روابط دوجانبه و همکاری امنیتی در سال ۱۹۹۷، تاسیس شورای ناتو - روسیه در سال ۲۰۰۲ برای بررسی امنیت بین‌المللی و همچنین چندین طرح مشترک از قبیل آموزش افراد و مبارزه با تروریسم، قابل بیان است. همچنین دو طرف به صورت رسمی اعلام کردند که دشمنی جنگ سرد بین ناتو و روسیه، به برقراری همکاری و تعهد دوجانبه در جهت روابط صلح‌آمیز در اروپا تبدیل شده است (Rachwald, 2011: 120)؛ به بیانی روسیه و ناتو در حوزه‌های متفاوتی با هم همکاری و مشارکت داشته، حوزه‌هایی که در اسناد پایه روسیه و ناتو، خصوصاً در مفهوم استراتژیک ناتو تعریف شده است. به طور کلی در فضای جدید پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که به عنوان «پایان واقعی جنگ سرد» میان روسیه و غرب مطرح شد، روس‌ها در وضعیت همکاری نزدیک با ناتو قرار گرفتند و شورای جدید ناتو-روسیه شکل گرفت و سپس عضویت کشورهای بالتیک مطرح شد که سکوت مسکو در مقابل این عمل، حکایت از شکستن فضای روانی گذشته داشت (کرمی، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

در همین خصوص در دکترین سیاست خارجی روسیه نیز که در ژوئیه ۲۰۰۸ منتشر گردید، حوزه‌های همکاری طرفین این‌گونه تبیین شده است؛ «امکان ارزیابی و برقراری ثبات در منطقه اروپا-آتلانتیک، واکنش به تهدیدهای مشترک مانند تروریسم، اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و نقل و انتقال مواد مخدر». به علاوه طرفین در قالب «شورای روسیه و ناتو» در حوزه‌های طرح دفاع موشکی، اصلاحات نظامی، عملیات‌های حفظ صلح، مدیریت حمل و نقل هوایی و کنترل فضای پروازی در چارچوب «طرح مشترک حریم هوایی»، همکاری لجستیک نظامی و غیر نظامی، کمک‌رسانی به هنگام بروز بلایای طبیعی و مشکلات زیست محیطی، جستجو و نجات در دریا، با هم همکاری می‌کنند.

<sup>۱</sup> . Action Plan

همچنین روسیه و ناتو همکاری‌های سازنده‌ای را عمدتاً در چند سال اخیر در ارتباط با افغانستان تجربه کرده‌اند که می‌تواند الگوی خوبی برای همکاری بین ناتو و همسایگان افغانستان باشد (یاری، ۱۳۸۹: ۱۰۸) در کنفرانس‌های مختلف نیز، سران ناتو نیاز و لزوم یک سازماندهی نظامی برای رسیدگی به نگرانی‌ها و تهدیدهای هزاره سوم را مورد تأکید قرار داده‌اند. راسموسن اخیراً ۱۷ نوع تهدید مهلک را مطرح کرده که از جمله آنها می‌توان به امنیت انرژی، تهدیدهای هسته‌ای، حمله‌های سایبری و راهزنی دریایی اشاره کرد. در این میان، مسئولیت روبه رشد سازمان ناتو در آمادگی و پاسخگویی به این تهدیدها مطرح و قابل توجه است (Herman & Peterson, 2012: 17).

در زمینه همکاری دفاع موشکی ناتو-روسیه در نشست لیسبون در سال ۲۰۱۰ رئیس جمهور وقت روسیه (مدودیف)، دعوت ناتو برای گسترش حیطه‌های همکاری جهت دفاع موشکی را پذیرفت. به علاوه یک تحلیل جامع و مشترک از چارچوب همکاری «بی ام دی»<sup>۱</sup> نیز مورد تأکید قرار گرفت. در مفهوم استراتژیک ۲۰۱۰، دفاع و بازدارندگی اساس و بنیان بوده و ترکیب مناسبی از توانایی‌های هسته‌ای و متعارف به عنوان وظیفه اصلی ناتو مشخص گردید و بیان شد ناتو باید از همه گزینه‌ها برای جلوگیری از ظرفیت‌های استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی بهره جوید ([http://www.nato.intcpsennatolivetopics\\_82708.htm](http://www.nato.intcpsennatolivetopics_82708.htm)).

همچنین، شورای ناتو-روسیه آمادگی خود را برای گسترش نیروهای مشترک و عملیات آموزشی در جهت رسیدگی و حل مسائلی از قبیل تروریسم و امنیت هسته‌ای را اعلام کرده است. اگر ناتو بتواند به صورت کامل تعهدهای خود را در واکنش به حمله نظامی مدیریت نماید، می‌تواند یک واکنش نظامی مشترک از سوی ناتو-روسیه را برای مدیریت مسائل ضروری ایجاد کند (Goldgeier, 2012: 12).

مطمئناً زبان گزارش مفهوم استراتژیک در ارتباط با روسیه، مقابله‌جویانه نیست و کاملاً واقع‌بینانه می‌باشد و فرصت‌هایی را برای همکاری فراهم می‌آورد. یک عبارت نادر در این گزارش بیان شده که بیان می‌دارد، «پیمان نه یک تهدید نظامی برای روسیه مطرح می‌کند و نه روسیه را به عنوان یک تهدید نظامی مورد ملاحظه قرار می‌دهد» که البته در نسخه نهایی آن این مسئله تا حدودی نقض گردید. این موضوع دائماً و کلمه به کلمه به وسیله سران ناتو، قبل و بعد از نشست در نسخه نهایی بیان شد، اما در متن مفهوم استراتژیک، توجه

<sup>1</sup>. Ballistic Missile Defense (BMD)

معناداری در اظهار نظر ناتو شد که روسیه را به عنوان یک تهدید مورد ملاحظه قرار نمی دهد. ناتو تمایل خود را برای حرکت در جهت «یک مشارکت استراتژیک واقعی» با روسیه اعلام کرد و عمل متقابل از مسکو را انتظار دارد. این در حالی است که دیدگاه محتاطانه بروکسل به مشارکت غرب-شرق نشانه‌ی بدبینی است (3: Bagratuni, 2012).

در همین راستا در نشست شیکاگو ۲۰۱۲ نیز سه موضوع مورد توجه سران ناتو قرار گرفت؛ پایبندی به تعهدهای ناتو در افغانستان، اطمینان از توانایی‌های پیمان در دفاع از اعضا و مواجهه با چالش‌های قرن ۲۱ از طریق همکاری با شرکا بویژه در خصوص مسئله افغانستان. ([http://www.nato.int/cps/en/natolive/news\\_84287.htm](http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_84287.htm))

همچنین، راسموسن بیان می دارد که ناتو در صدد است روسیه در امنیت جهانی و اروپا یک عضو واقعی باشد. به باور راسموسن، ناتو نیازمند روسیه به عنوان شریکی برای حل مسائل بزرگتر می باشد. ما باید توانایی‌های لازم را برای برقراری ارتباط میان امریکا، ناتو و سیستم‌های دفاع موشکی روسی در زمان مناسب فراهم آوریم. در نظر گرفتن سپر دفاع یورو-آتلانتیک جدید نیز، یک سقف امنیتی<sup>۱</sup> است که می تواند ظرفیتی برای رابطه نزدیک تر و فضای بهتر بین ناتو و روسیه در درون شورای ناتو-روسیه باشد. پذیرش این پیشنهاد نشان دهنده تغییری کلی در طرز تفکر ناتو در مورد امنیت اروپا در خصوص دفاع موشکی و روسیه است (109-110: Mattox, 2011).

پایان جنگ سرد گسترش و تغییر ماموریت‌های پیمان آتلانتیک شمالی را به دنبال داشته است. از آنجایی که فدراسیون روسیه همواره برای پیمان ناتو دارای اهمیت به سزایی است، ناتو و هم پیمانان آن نمی خواهند، ظهور دوباره روسیه را به عنوان چالشی برای امنیت و ثبات اروپا ببینند. بنابراین بخشی از سیاست‌های ناتو برای دعوت از روسیه به عنوان بازیگری موثر و برجسته در مسائل امنیتی اروپا و نظام بین الملل طراحی شده است. به باور بسیاری از تحلیلگران بزرگترین چالش برای ناتو، روسیه، تروریسم و عراق نیست، بلکه بیشتر حفظ پیوستگی فراآتلانتیکی پیمان می باشد. ناتو به رغم گسترش همکاری‌های خود با روسیه، روند گسترش اعضای خود را فراموش نکرده ولی به خوبی آگاه است که همکاری با روسیه جهت حل و فصل مناقشه‌های بین المللی در دهه کنونی به مراتب منفعت بیشتری برای سازمان آتلانتیک شمالی به دنبال دارد (73: Sloan, 2008).

<sup>۱</sup>. One Security Roof

از این رو، مفهوم استراتژیک ناتو در ۲۰۱۰، نگاه ویژه‌ای را به روسیه و برقراری روابط امنیتی با آن اختصاص داده است، که براساس آن همکاری‌های امنیتی در روابط دو کشور گسترش یافته است؛ همکاری‌هایی که ناشی از تهدیدهای مشترک امنیتی میان ناتو و روسیه می‌باشد. به طور کلی، مهم‌ترین زمینه‌های همکاری ناتو و روسیه، که بعد از تصویب مفهوم استراتژیک ناتو در ۲۰۱۰، مورد توجه و تاکید سران این دو بازیگر قرار گرفته از قرار زیر می‌باشد:

### ۱. مبارزه با تروریسم

از جمله تهدیدهای امنیتی مشترک میان ناتو و روسیه، می‌توان از تروریسم بین‌المللی نام برد که ظرفیت نزدیکی و همکاری روسیه و ناتو را بیشتر می‌کند. از زمان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیویورک و واشنگتن، جنگ علیه تروریسم در دستور کار بازیگران اصلی نظام بین‌الملل از جمله ناتو و سایر اجتماع‌های گسترده بین‌المللی قرار گرفت. حمله‌های مشابه در کشورهای هم‌پیمان و اطراف جهان بر ماهیت جهانی تروریسم صحنه گذاشت. در مفهوم استراتژیک ۲۰۱۰ ناتو، نیز مقابله با تروریسم به عنوان یک تهدید چند جانبه مورد تاکید قرار گرفته است. آثار این تهدید کلید اولویت‌های امروزی ناتو و روسیه است. اقدام‌های چندجانبه همکاری و مشورت در میان این دو بازیگر نظام بین‌الملل، این چالش را به گونه‌ای فعال نشان می‌دهد.

در سال ۲۰۰۳ شورای ناتو-روسیه، «عملیات مشترک هوایی» را برای تقویت همکاری در زمینه تجسس و ترافیک هوایی آغاز کرد. هدف از انجام این عملیات، بررسی موقعیت‌هایی را شامل می‌گردید که در آنها هواپیما به عنوان سلاح در حمله‌های تروریستی استفاده می‌شد. سیستم عملیات مشترک هوایی به صورت یک توانایی کاملاً موثر در سال ۲۰۱۱ شناخته شد و مشارکت با سایر کشورهای شریک را نیز آغاز کرد. همکاری روسیه و ناتو برای صلح و امنیت در «طرح اقدام» ۲۰۱۰-۲۰۱۲ سه حوزه همکاری را مطرح می‌کند؛

\* کشف مواد منفجره شامل همکاری در پژوهش‌های علمی که منجر به تشخیص و جستجوی بهتر در ردیابی و انباشت مواد منفجره می‌شود.

\* تحقیق مشترک در راه تقویت امنیت سیستم‌هایی که در برابر حمله‌های تروریستی آسیب‌پذیر هستند. هدف این ابتکار ایجاد درکی بهتر برای اینکه چگونه تروریسم از اطلاعات فناوری استفاده می‌کند.

\* مطالعه در زمینه عامل‌های انسانی در دفاع برابر تروریسم که تلاشی پویا برای فهم انگیزه‌های تروریسم از منظر جامعه‌شناسی است ([http://www.nato.int/nato\\_static....pdf](http://www.nato.int/nato_static....pdf)).

سران ناتو و روسیه طی جلسات شورای ناتو-روسیه در ۲۳ آوریل ۲۰۱۳ همچنین توافق نمودند، حمایت‌های خود را برای نیروی هوایی افغان گسترش دهند. تصمیم به گسترش حمایت‌های شورای ناتو-روسیه از نیروی هوایی افغان از طریق آموزش به تکنسین‌ها در مورد بالگردها و همچنین در زمینه‌های جدیدتری از جمله توسعه ظرفیت انتقال بیماران فراهم گردید. شورای ناتو-روسیه همکاری‌های عملی‌ای را در این زمینه‌ها گسترش داده است. در ژوئن ۲۰۱۳ یک طرح در خصوص مقابله با تروریسم از سوی شورای ناتو-روسیه مورد آزمایش قرار خواهد گرفت و همچنین همکاری‌های مشترکی در خصوص مقابله با انفجار در مکان‌های عمومی بین پیمان ناتو و روسیه به تصویب رسید. در سپتامبر ۲۰۱۳ نیز ناتو و روسیه سیستم ترافیک هوایی مشترکی را به منظور یک تمرین واقعی برای مقابله با حمله‌های تروریستی علیه هواپیماهای غیر نظامی انجام می‌دهند. شورای ناتو-روسیه همچنین در مورد سایر مناطق و مسائل مربوط به امنیت جهانی از جمله سوریه، کره شمالی و مسائل مربوط به دفاع موشکی مذاکره کردند ([http://www.nato.int/cps/en/natolive/news\\_99887.htm](http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_99887.htm)).

به طور کلی بر اساس مفهوم نوین استراتژیک ناتو، جنگ در برابر تروریسم یکی از اولویت‌های منطقه‌ای سازمان تعریف شده است. در منطقه اروپا-آتلانتیک نیز، ناتو روابط خود را با کشورهای غیر عضو از طریق شورای مشارکت برای صلح، گسترش داده است. در میان این شرکا، ناتو ساختار ویژه‌ای برای توسعه روابط با روسیه را مورد توجه قرار داده است. بسیاری از شرکای اروپا-آتلانتیک به صورت فعالانه و موثری از عملیات ناتو حمایت می‌کنند که می‌توان به حمایت از مأموریت برقراری صلح در افغانستان اشاره کرد. به طور کلی از آنجایی که هیچ کشور یا سازمانی نمی‌تواند در تشخیص تروریسم به تنهایی موفق باشد، ناتو



برای مبارزه با تروریسم باید با ترکیبی از ساختارهای نظامی، غیرنظامی و سیاسی از طریق مشارکت با کشورهای غیر عضو و سایر سازمان‌ها همکاری کند.

## ۲. افغانستان

از رویدادهای مهم در تاریخ ناتو افزایش دامنه ماموریت این پیمان در افغانستان به جای نیروهای سازمان ملل معروف به «ایساف» است. این سازمان از اوت ۲۰۰۳ فرماندهی نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت افغانستان را بر عهده گرفته است. از سال ۲۰۰۶ ناتو فرماندهی عملیات جنگ علیه تروریسم را نیز برعهده دارد و عملاً جایگزین فرماندهی آمریکا شده است (احدی، پیشین: ۳۳)؛ به بیانی ساده حضور نظامی ناتو در افغانستان از اولین اقدام‌های عملی سازمان برای تعیین اهداف جدید ناتو و مشخص کردن دشمن تازه جهت توجیه ادامه کار این پیمان بود.

در واقع، نگرانی مشترک ناتو و روسیه در افغانستان به افزایش تولید مواد مخدر و همچنین تداوم فعالیت گروه‌های تروریستی در این کشور و مناطق همجوار از جمله آسیای مرکزی مربوط می‌شود. از طرفی ناتو صدمه‌های انسانی و مالی زیادی را در جنگ پرداخته و از طرف دیگر به دلیل عدم توفیق در مبارزه با مواد مخدر و تروریسم، مورد انتقاد افکار عمومی جهان قرار دارد. از سوی دیگر روسیه نیز از افزایش دامنه فعالیت تروریست‌ها در نزدیکی مرزهای خود نگران است و همچنین از افزایش مرگ‌ومیر ناشی از صدور و مصرف مواد مخدر در این کشور رنج می‌برد؛ به همین دلیل به رغم عدم تمایل قلبی مسکو به گسترش ناتو به شرق و تداوم حضور آمریکا و ناتو در افغانستان، روسیه چندی است که از عملیات تدارکاتی ناتو مانند آموزش نیروهای امنیتی و تخصصی افغان حمایت می‌کند. ناتو همچنین از روسیه درخواست کرده است که امکانات بیشتری در اختیار عملیات نظامی در داخل افغانستان قرار دهد (تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۴).

از طرفی، راسموسن در سفری که از ۱۶ الی ۱۷ دسامبر ۲۰۰۹ به مسکو داشت بعد از دیدار با مقامات روسی در این خصوص گفت، «فهرستی از زمینه‌های همکاری به مقام‌های روسی ارائه گردید که شامل؛ ارائه تجهیزات از جانب روسیه برای ارتش افغانستان از جمله بالگردهای ساخت روسیه، ارائه خدمات پشتیبانی و لوازم یدکی و آموزش خلبانان افغان توسط روسیه، همچنین تامین سوخت، آموزش نیروهای پلیس افغان و اجرای طرح‌های

آموزشی مشترک توسط افسران روسی و ناتو برای مقابله با مواد مخدر می‌باشد». همچنین دبیر کل ناتو طی سخنرانی در موسسه مطالعات سیاسی مسکو با عنوان «ناتو-روسیه، شرکای آینده» گفت، «سربازان ناتو در افغانستان می‌جنگند و جان خود را از دست می‌دهند به خاطر اینکه با افراط‌گرایی، تروریسم و مواد مخدر مقابله نمایند. اگر این خطر به حال خود رها شود به سمت آسیای مرکزی و در نهایت روسیه گسترش پیدا خواهد کرد. اگر امروز در این هدف موفق نشویم همه ما باید بهای سنگین‌تری در آینده بپردازیم. ما به این واقعیت واقف هستیم و روس‌ها هم واقف می‌باشند» (یاری، پیشین: ۱۲۱).

به باور تحلیلگران، افغانستان یکی از پایگاه‌های تروریسم شده است. مسئله‌ای که از تهدیدهای جدید و مشترک ناتو و روسیه محسوب می‌شود. تروریسم جهان را دگرگون کرده و نمی‌توان اجازه داد در آینده داونه فعالیت آن بیشتر شود. نباید اجازه داد افغانستان به پناهگاهی امن برای تروریسم تبدیل گردد. قیمت رها کردن افغانستان نامنی در جاده‌ها، فرودگاه‌ها و متروها است. بی‌ثباتی و هرج‌ومرج می‌تواند از افغانستان به مرکز آسیا و اروپا گسترش یابد. راسموسن به روشنی بیان می‌کند که کار اصلی ناتو تامین امنیت، جهت جلوگیری از حمله به ۹۰۰ میلیون جمعیت کشورهای عضو ناتو است (Wagnsson, Op.Cit: 486). در واقع، همکاری روسیه و ناتو در افغانستان بیشتر حول مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و مبارزه با مواد مخدر قرار دارد. اما آنچه را که نمی‌توان انکار کرد، تقویت موقعیت ناتو و به تبع آن افزایش حضور و موقعیت متحد اول ناتو یعنی آمریکا در افغانستان می‌باشد، امری که با منافع و حتی امنیت روسیه در تقابل است.

همکاری در افغانستان آزمونی سخت برای توانایی روسیه و ناتو جهت ایجاد تحول در روابط آنها می‌باشد. روسیه منافع زیادی را در ایجاد ثبات در افغانستان به خاطر قاچاق مواد مخدر و ظرفیت بی‌ثباتی در آسیای مرکزی و قفقاز دارد. در حالی که اختلاف‌هایی ممکن است بین روسیه و ناتو به وجود آید، آنها می‌توانند همکاری‌های خود را بر روی راه‌حل‌های منطقه‌ای متمرکز سازند. این امر به توسعه استراتژی منطقه‌ای کمک می‌کند که همه بازیگران منطقه شامل ایران، چین، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی و همه اعضا و یا ناظران سازمان همکاری شانگهای را متعهد کند. خصوصاً تلاش‌ها باید منجر به متعهد کردن سازمان در معاهده همکاری امنیتی (روسیه و ۶ جمهوری سابق شوروی) در

مشورت‌های خود در مورد مسائلی چون امنیت مرزی، آموزش ارتش و پلیس ملی افغانستان و استراتژی مقابله با مواد مخدر شود (Antonenko & Yurgens, 2011: 9).

ناتو و روسیه منافع مشترکی در برقراری ثبات در افغانستان و مناطق مرزی دیگر دارند. چندین راهکار برای کمک به برقراری ثبات در افغانستان تدوین شده است در یک طرح شورای ناتو و روسیه آموزش ارتش افغان، تکنسین‌های نگهداری از بالگردها توسط روسیه از آوریل ۲۰۱۲ آغاز شد. در سایر برنامه‌های شورای ناتو-روسیه آموزش به نیروهای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان، آسیای مرکزی و پاکستان گنجانده شده است. در این زمینه کمک به توسعه ظرفیت‌های منطقه در مبارزه با مواد مخدر مورد تاکید است. از سال ۲۰۰۸ روسیه حمل و نقل تجهیزات غیر نظامی برای ایساف که از خاک روسیه عبور می‌کرد را تسهیل کرد. ترتیبات و آرایش حمل و نقل ناتو و روسیه اقدامات حیاتی را برای توسعه راه‌های شمالی افغانستان به وسیله پیوستن خطوط ریلی بین روسیه، اوکراین، ازبکستان و قزاقستان فراهم کرد. این تصمیم‌ها حمل و نقل ریلی افغانستان را ایجاد کرد. در نشست شیکاگو در می ۲۰۱۲ رهبران پیمان ناتو به توسعه همکاری‌ها با شرکایی از آسیای مرکزی و روسیه در خصوص اجازه انواع حمل و نقل به توافق رسیدند، منظور ترکیبی از حمل و نقل‌های ریلی و هوایی برای ارسال تجهیزات ایساف از خاک روسیه بود. اولین مقابله غیرنظامی با تروریسم در مارس ۲۰۱۲ در دریا‌های آزاد صورت گرفت. این مقابله غیر نظامی تمرینی بارزش بود که به ناتو و روسیه اجازه می‌داد تا ببینند که چگونه و از چه طریقی توانایی همکاری و اقدام مشترک علیه تروریسم را اتخاذ کنند ([http://www.nato.int/cps/en/natolive/topics\\_8189.htm](http://www.nato.int/cps/en/natolive/topics_8189.htm)).

### ۳. تکثیر سلاح کشتار جمعی

تکثیر سلاح کشتار جمعی، متحدین ناتو را با یک نگرانی اساسی مواجه ساخته است. در سال‌های اخیر تمرکز اصلی ناتو، نگرانی از روسیه نیست، بلکه تهدیدهای ناشی از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای (خصوصاً در خاورمیانه مستعد کشمکش) و تروریسم هسته‌ای می‌باشد. از این رو سرعت بالای تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، موضوع اصلی مورد توجه ناتو

می‌باشد. به بیان بسیاری از تحلیلگران، جنگ در عراق و افغانستان نیز ریشه در این نگرانی‌ها داشته است. نگرانی‌هایی که بیشتر از احتمال پیوند بین گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم نشات می‌گیرد. به بیانی ساده سیاست هسته‌ای امروز ناتو در ارتباط با روسیه نیست. به طوری که سناتور پیشین، سام نون<sup>۱</sup> بیان می‌کند که برای موفقیت در رسیدگی به تهدیدهای بزرگی چون ظهور کشورهای جدید تکثیرکننده و غنی‌کننده سلاح‌های هسته‌ای و دست نیافتن آنان به مواد هسته‌ای، باید بسیاری از کشورها همکاری کنند. آشکار است که روسیه نیز با چنین تهدیدهایی روبه‌رو است و امنیت آن وابسته به همکاری با ناتو و ایالات متحده است. البته باید توجه داشت که سیاست‌های هسته‌ای ناتو و ایالات متحده امریکا در ارتباط با روسیه و خاورمیانه نیازمند در نظر گرفتن زمینه‌های گسترده‌تری از آنچه امروز شاهد آن هستیم، می‌باشد (Andearsen, Chalmers and Williams, 2012: 9).

همچنین، دبیرکل ناتو در نوامبر ۲۰۱۰ بیان نمود، «درصد نیستیم کشورهای خاصی را به عنوان تهدید موشکی برای ناتو مشخص کنیم؛ به بیان وی بیشتر از ۳۰ کشور علاقه‌مند به دستیابی به فناوری موشکی با امکان ضربه زدن به ناتو، وجود دارد. بنابراین نیاز به معرفی کشور خاصی نیست، زیرا این مسئله خود یک نوع تهدید است (Kay, 2012: 40-41). هر چند امروزه استفاده از سلاح‌های هسته‌ای ممکن است بعید به نظر آید، اما تا زمانی که سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد، ناتو به عنوان یک پیمان هسته‌ای باقی می‌ماند.

#### ۴. سپر دفاع موشکی مشترک

طی نشست لیسبون، شورای ناتو-روسیه همکاری بین ناتو و مسکو را در زمینه دفاع موشکی، تصدیق کرد. بسیاری از تحلیلگران معتقد می‌باشند که روسیه ملزم به همکاری و مشارکت در راستای گسترش سیستم دفاع موشکی منطقه اروپا شده است. از طرفی تحلیلگران به مزایای پذیرفته شدن دفاع موشکی برای ناتو به عنوان یک موضوع اصلی توجه کرده‌اند که از جمله آن؛ افزایش پشتیبانی در مقابل توانایی مخرب حمله‌های موشکی بالستیک در اروپا، تقویت روابط با ایالات متحده و مزایای اقتصادی که از این حوادث ایجاد و فرصت‌هایی برای متعهد کردن روسیه دارد، می‌باشد (Hildreth, 2012: 2).

<sup>۱</sup>. Sum Nunn

آنچه مشخص است، این موضوع می‌باشد که ناتو در صدد توسعه توانایی‌های خود برای دفاع از مردم و تمامیت ارضی اعضای خود در برابر حمله موشک‌های بالستیک (به عنوان عنصر اصلی دفاع دسته‌جمعی که برای امنیت امری ضروری است)، می‌باشد. ناتو فعالانه همکاری در زمینه دفاع موشکی با روسیه و سایر شرکای یورو-آتلانتیک را طلب می‌کند. در همین راستا توسعه بیشتر توانایی‌های ناتو برای دفاع در برابر تهدیدهای شیمیایی، بیولوژیک، رادیولوژیک و سلاح‌های هسته‌ای کشتار جمعی مورد توجه سران پیمان می‌باشد. توسعه بیشتر توانایی‌ها برای حفظ وضعیت بازدارندگی و دفاع در برابر حمله‌های سایبری از دیگر اقدامات ناتو است.

همچنین ناتو بیان می‌کند که تکثیر موشک‌های بالستیک افزایش تهدید را به دنبال دارد. به بیانی دفاع موشکی بخشی از «واکنش گسترده‌تر» است که همکاری مستحکم‌تر را در درون ناتو می‌طلبد. ناتو همچنین تقویت همکاری دفاع موشکی ناتو-روسیه را مطرح می‌کند و آمادگی برای جستجوی راه‌های اتصال سیستم دفاع موشکی ایالات متحده، ناتو و روسیه در یک زمان مناسب را ضروری می‌پندارد. تمایل مشارکت با روسیه در خصوص دفاع موشکی در صحبت‌های راسموسن اینگونه بیان شد، «دفاع موشکی نه تنها در مقابل روسیه نیست، بلکه در حمایت از روسیه است». راسموسن اذعان می‌دارد که امیدوار است که همکاری در زمینه دفاع موشکی بتواند به وسیله شورای ناتو-روسیه ادامه یابد (Ibid:4-5).

از سوی دیگر مفهوم جدید استراتژیک نشان می‌دهد که خواسته‌های ناتو در همکاری با روسیه در خصوص دفاع موشکی و پیگیری یک توافق با روسیه جهت شفافیت در مورد سلاح‌های هسته‌ای روسیه است که ناتو خواهان برچیده شدن آنها از مرزهای خود است. همچنین گامی به سوی مشارکت با روسیه پیشرفته، جهت کاهش ذخیره‌های عظیم سلاح‌های هسته‌ای در کوتاه‌مدت است. در این مفهوم لزوم همکاری در خصوص دفاع موشکی مورد بحث قرار گرفت. در روزهای پایانی نشست لیسبون در مورد ارزیابی تهدیدها، همکاری‌های مشترک در خصوص موشک‌های بالستیک و ادامه گفتگو در این زمینه توافق-هایی حاصل گردید. هرچند تردیدهایی در مورد این همکاری وجود داشت که علت آن درک متفاوت از چگونگی سازماندهی دفاع موشکی اروپایی بود. از سویی دیگر در حالی که ناتو پیشنهادهایی برای ساختن دو سیستم دفاعی مستقل را می‌داد، روسیه خواهان یکپارچگی

این دو سیستم بود. مفهوم «دفاع موشکی منطقه‌ای»<sup>۱</sup> بر مسئولیت روسیه در رهگیری موشک‌های شلیک شده به دولت‌های متحد در حریم هوایی خود دلالت می‌کند، در مقابل ناتو در صورت مورد هدف قرار گرفتن روسیه به او یاری خواهد رساند. اینکه این پیشنهاد ناتو غیر قابل قبول خواهد بود به آسانی قابل پیش‌بینی است و دبیر کل ناتو در مورد راه‌کار روسیه بیان نمود، «پیمان آتلانتیک شمالی در محافظت از سرزمین اعضای ناتو و تامین امنیت برای شهروندان خود مسئول است و ما قصد انتقال مسولیت خود به دیگری را نداریم» (Bagratuni, 2012: 2).

بر این اساس پیشنهاد ناتو به وسیله رئیس‌جمهور (وقت) روسیه، مدودیف به امضا رسید. وی بیان داشت ما بر طبق اصول معینی با ناتو در خصوص ایجاد یک سیستم پیوسته برای حل ماموریت‌های دفاع موشکی به توافق رسیده‌ایم. همچنین، وی بیان می‌دارد چنانچه در رسیدن به یک موافقت‌نامه به نتیجه نرسیم، آنگاه ما تصمیم‌های ناخوش‌آیندی در مورد استقرار موشک‌های تهاجمی هسته‌ای می‌گیریم. ما بیان کردیم که روسیه درباره تاکتیک‌های «سبک شوروی»<sup>۲</sup> از تهدید، بلوف و پیشنهادهای نامعقول ضربه متقابل، عقب‌نشینی کرده است. این امر همچنین نشان می‌دهد که این مواضع ممکن است تاثیر مخربی بر روی دورنمای مشارکت کامل ناتو-روسیه داشته باشد (Ibid: 3).

در نشست لسیبون، سران ناتو دفاع موشکی (منطقه‌ای) را پیشنهاد کرده و آن را به عنوان برنامه ناتو در پاسخ به تهدیدهای ناشی از تکثیر موشک‌های بالستیک پذیرفتند. نه مفهوم جدید استراتژیک ناتو و نه اعلامیه مشترک نشست، یک دولت یا رژیم را به عنوان تهدید موشکی معرفی نکرد. گزارش‌ها بیان می‌کرد که این از قلم افتادگی به دلیل پافشاری ترکیه بوده که درخواست روابط باثبات خود را با کشورهای منطقه خود حفظ کند. همچنین اعلامیه نشست بیان می‌کند که دفاع موشکی به جزء لاینفک در کل وضعیت دفاعی سازمان تبدیل شده است.

«طرح اقدام» دفاع موشکی بالستیک در ژوئن ۲۰۱۱ جهت برنامه‌ریزی در زمینه چگونگی دفاع موشکی بالستیک به تصویب رسید. تلاش‌ها و فعالیت‌ها در این خصوص بیشتر در مورد زمینه‌هایی بود که به ناتو اجازه می‌دهد توانایی دفاع موشکی بالستیک را در نشست شیکاگو ۲۰۱۲ اعلام دارد. این موضوع جاه‌طلبانه است و نیازمند کار بیشتر برای تضمین سازوکارهای

<sup>1</sup>. Sectoral Missile Defence

<sup>2</sup>. Soviet-Style

کنترل و فرماندهی مناسب است. در همین خصوص ناتو از روسیه جهت همکاری در سیستم دفاع موشکی بالستیک دعوت کرده است. از آنجایی که روسیه نیز به وسیله موشک‌های بالستیک تهدید می‌شود، همکاری ناتو و روسیه در این زمینه تصور دفاع مشترک در مورد تهدیدهای مشترک را ایجاد می‌کند. این نوع همکاری‌ها میان ناتو و روسیه بخشی از سند بنیادین ناتو-روسیه در سال ۱۹۹۷ است که گسترش یافته و بیشتر به توافق طرفین برای جلوگیری از تهدید یا استفاده از نیرو علیه دیگری اشاره دارد. توجه به این مسائل در نشست شیکاگو برای توسعه یک تحلیل مشترک در آینده همکاری دفاع موشکی که با موانع مختلف و چالش برانگیزی روبه‌رو است، شروع شد ([http://www.nato.intcpsennatolivetopics\\_83731.htm](http://www.nato.intcpsennatolivetopics_83731.htm)).

در نشست لیسبون همچنین، فرصت‌هایی برای همکاری موشکی ناتو و روسیه فراهم شده است. در نشست شیکاگو نیز تلاش سران ناتو این بود که نشان دهند برنامه دفاع موشکی به طور مستقیم علیه روسیه نیست و این امر بازدارندگی استراتژیک روسیه را تحلیل نخواهد برد. دفاع موشکی تمایلی برای دفاع در مقابل تهدیدهای بالقوه در سراسر منطقه یورو-آتلانتیک است. به رغم بیان تأسف در صحبت‌های اخیر روسیه و تأکید مستقیم علیه سیستم دفاع موشکی ناتو، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به اعلام رضایت روسیه برای ادامه گفتگو جهت پیدا کردن راهی به منظور توسعه همکاری آینده در زمینه دفاع موشکی خوش آمد، می‌گوید. ناتو مصمم است از طریق شورای ناتو-روسیه، ببیند که چگونه سیستم دفاع موشکی مستقل ناتو-روسیه می‌تواند با کار مشترک، امنیت اروپایی را تقویت کند. آنها همچنین پیشنهاد می‌کنند که توسعه رژیم جدید بر مبنای یک تغییر قانونی با بهره‌گیری از توانایی دفاع موشکی ناتو و روسیه باشد. همکاری در عملیات دفاع موشکی با کمک سیستم‌های رایانه‌ای در مارس ۲۰۱۲ در آلمان انجام شده است. این تمرین فرصت خوبی برای توسعه و ارزیابی عملکردهای گوناگون سیستم دفاع موشکی اروپایی است. توسعه بیشتر همکاری عملی در این حوزه و یا سایر حوزه‌ها به ویژه در دفاع موشکی به افزایش اعتماد دوجانبه کمک خواهد کرد. این بهترین راه تعهد سران ناتو و روسیه در کسب یک استراتژی واقعی و مشارکتی مدرن بر مبنای اصولی چون اعتماد متقابل، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری با هدف ایجاد یک فضا و مکان امن و باثبات است ([http://www.nato.int/cps/en/natolive/news\\_88158.htm](http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_88158.htm)).

البته باید توجه داشت، تنش‌هایی در طرح سیستم دفاع موشکی ناتو که روسیه را در این برنامه متعهد می‌کند، وجود دارد. همانگونه که ریچارد ویتز<sup>۱</sup> اشاره می‌کند، اشتراک در فناوری حساس و مهم حتی در میان هم‌پیمانان ناتو، همیشه دشوار بوده است. بر اساس این تحلیل تکیه کردن بر فناوری ناتو برای امنیت روسیه و همچنین تکیه کردن بر فناوری روسیه برای طرح‌های دفاعی ناتو یک خطر است. ویتز بیان می‌کند که تصمیم‌گیران ناتو نگران این موضوع هستند که اطلاعات و تاکتیک‌های سازمان در خصوص سیستم‌های «بی ام دی» به وسیله سایر کشورها کشف شود (Kay, 2012: 50-51).

البته باید اذعان نمود ناتو و روسیه تشکیل یک همکاری کامل در خصوص دفاع موشکی را نپذیرفته‌اند. روسیه تنها پذیرفته است، کارشناسان فنی خود را در برنامه‌ریزی و توسعه سیستم دفاع موشکی درگیر کند. مدودیف در همین ارتباط پیش‌بینی کرد، همکاری دفاع موشکی باید در نهایت باعث یک مشارکت استراتژیک تکامل یافته بین روسیه و ناتو گردد. از سویی پوتین بر این باور است که چنانچه روسیه برنامه دفاع موشکی ناتو را انجام دهد، به معنای سازشی برای بازدارندگی هسته‌ای مسکو است. با این حال روسیه خود را به همکاری در مورد دفاع موشکی مجبور می‌بیند، زیرا نمی‌تواند نه مانع ساخت سپر دفاع موشکی در اروپا شود و نه ظرفیت‌های خود را براساس یک توافق جمعی محدود سازد. تنها راه برای تفوق روسیه پیوستن به برنامه «بی ام دی» در شرایط مناسب است. در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۰ وزیر امور خارجه روسیه، اشاره کرد که روسیه مشارکت در دفاع موشکی ناتو را پذیرفته است که این امر برای بهبود روابط روسیه و ناتو اساسی است. اگرچه جزئیات مربوط به چگونگی همکاری روسیه بیان نشده است، اما آشکار است که ناتو و ایالات متحده می‌خواهند راه‌هایی برای درگیر کردن روسیه پیدا کنند. رهبران روسیه بر این باورند که غیبت در چنین توافقی ممکن است منجر به وارد شدن در مسابقه تسلیحاتی جدیدی شود که این مسئله مشکلات مالی زیادی را برای روسیه ایجاد می‌کند. (Hildreth, 2012: 8-9).

### نتیجه‌گیری

به طور کلی، تهدیدهای هزاره سوم موجب فراهم شدن زمینه‌های لازم برای ایفای نقش ناتو در دوسوی آتلانتیک و کل نظام بین‌الملل گردید که این امر بازتعریف مفاهیم

<sup>۱</sup>. Richard Weitz



استراتژیک ناتو و همکاری این پیمان را با روسیه به دنبال داشته است. از جمله مهم‌ترین همکاری‌های امنیتی که به دنبال تهدیدهای مشترک نوین، منافع این دو بازیگر فعال نظام بین‌الملل را با خطر مواجه ساخته؛ مسئله تروریسم، افغانستان و سپر دفاع موشکی می‌باشد. روسیه و ناتو به خوبی درک نموده‌اند که حل تهدیدهای نوین امنیتی نظام بین‌الملل تنها از طریق همکاری‌های امنیتی مشترک ممکن می‌باشد. برای نمونه ناتو و روسیه در خصوص مسئله و بحران تروریسم، یک عملیات مشترک هوایی را در سال ۲۰۱۱ انجام دادند. همچنین سه حوزه همکاری را میان خود برای صلح و امنیت در «طرح اقدام» ۲۰۱۰-۲۰۱۲ تصویب نمودند که شامل کشف مواد منفجره، تحقیق مشترک جهت تقویت امنیت سیستم‌هایی که در برابر حمله‌های تروریستی آسیب‌پذیرند و همچنین مطالعه بر روی عامل‌های انسانی می‌باشد. روسیه و ناتو در خصوص مسئله افغانستان نگرانی‌های مشترکی دارند؛ موضوع تولید مواد مخدر که از آن به عنوان سونامی مواد مخدر یاد می‌شود و همچنین تداوم فعالیت گروه‌های تروریستی، از مباحثی می‌باشد که ناتو و روسیه را به همکاری بیشتر در خصوص مسئله افغانستان مجبور ساخته است. به این ترتیب روسیه به رغم ناراحتی از گسترش ناتو و تداوم حضور آن در افغانستان، چندی است از اقدام‌های ناتو مانند آموزش نیروهای امنیتی افغان حمایت می‌کند و حتی به این سازمان از طریق در اختیار قرار دادن امکاناتی چون بالگردها و لوازم یدکی آن کمک کرده است. روسیه حریم هوایی خود را در اختیار ائتلاف بین‌المللی برای حمله به طالبان قرار می‌دهد. از سویی، ناتو نیز خود را قادر نمی‌بیند بدون یاری دیگران خصوصاً روسیه به مقابله با چالش‌های پیش روی افغانستان بپردازد. برای نمونه در نوامبر ۲۰۱۰ روسیه و ناتو در اقدامی هماهنگ و مشترک، عملیاتی را در جهت مبارزه با گسترش کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان به اجرا گذاشتند. به بیانی از آنجایی که به باور بسیاری از تحلیلگران افغانستان از پایگاه‌های اصلی تروریسم محسوب می‌شود، همکاری روسیه و ناتو در این خصوص آزمونی سخت برای تحول روابط میان آنها محسوب می‌شود.

به باور سران ناتو، این سازمان باید برای مقابله با تهدیدهایی چون تکثیر سلاح کشتار دسته جمعی با روسیه همکاری کند که در مفهوم نوین استراتژیک توجه زیادی به آن شده است. سپر دفاع موشکی مشترک نیز مسئله دیگری است که سران ناتو طی نشست لیسبون از طریق شورای ناتو-روسیه مورد توجه قرار دادند. به زعم ناتو تکثیر موشک‌های بالستیک موجب افزایش تهدید برای این سازمان گردیده که مشارکت با روسیه را در خصوص

سیستم دفاع موشکی می‌طلبد. ناتو با در نظر گرفتن نگرانی‌های روسیه در این مورد درصدد ایفای نقش برای روسیه و همکاری آن در مورد سیستم رادار اعلام خطر می‌باشد. از سوی دیگر مفهوم جدید استراتژیک نشان می‌دهد که ناتو در همکاری با روسیه در خصوص دفاع موشکی درصدد دستیابی به یک نوع شفافیت در مورد سلاح هسته‌ای روسیه است. روسیه نیز بیان می‌دارد که اگر با ناتو در خصوص امضای یک موافقتنامه به نتیجه نرسد، آنگاه تصمیم‌های ناخوش‌آیندی در مورد استقرار موشک‌های تهاجمی هسته‌ای می‌گیرد. به‌رغم مخالفت‌های روسیه علیه دفاع موشکی، ناتو همواره خواهان افزایش همکاری‌های خود با روسیه در این خصوص است. به‌طور کلی ناتو مصمم است امنیت اروپایی را از طریق سیستم دفاع موشکی مستقل ناتو-روسیه تامین کند.

در واقع، محیط امنیتی جدید، چالش‌های گسترده‌ای را برای ناتو به دنبال داشته و به همین منظور ناتو فعالیت‌های موثری در سه زمینه اصلی مورد توجه قرار داده است:

۱- دفاع دسته‌جمعی؛

۲- مدیریت بحران؛

۳- همکاری امنیتی. آنچه بیشتر از دیگر موارد، مورد تاکید تحلیلگران قرار گرفته، مسئله همکاری‌های امنیتی ناتو با دیگر بازیگران می‌باشد. مفهوم استراتژیک ۲۰۱۰ ناتو بر همکاری امنیتی به عنوان یکی از سه وظیفه اصلی ناتو تاکید دارد. چالش‌های نوین امنیتی به نظر بسیاری فراملی است و واکنش موثر و گسترده‌ای را از سوی شرکا، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی طلب می‌کند. مفهوم استراتژیک تاکید می‌کند ناتو برای توسعه گفتگوی سیاسی و همکاری کاربردی با هر کشور و سازمانی در نظام بین‌الملل که دارای منافع مشترک با ناتو در زمینه روابط صلح‌آمیز باشد، تمایل دارد.

روسیه نیز نقش و جایگاه همکاری در مورد سلاح‌ها و موشک‌های هسته‌ای با اروپا را بسیار مهم ارزیابی می‌کند. کرم‌لین پس از منازعه نظامی با گرجستان در سال ۲۰۰۸، بیشتر از همیشه به اهمیت به‌روز رسانی تجهیزات نظامی متعارف خود پی برد. طبیعتاً همکاری‌های صورت گرفته با ناتو در زمینه برقراری سپر دفاع موشکی، سلاح‌های تاکتیکی و همچنین کاهش سلاح‌های هسته‌ای، این فرصت را برای روسیه فراهم می‌آورد که جدی‌تر و با آسودگی خاطر از مسائل و رقابت‌های هسته‌ای گذر کرده و روی به تجهیز سلاح‌های متعارف آورد. از سوی دیگر مشارکت در طرح‌هایی همچون افغانستان برای روسیه بسیار حیاتی است.

روسیه منفعت مهمی در تضمین امنیت در افغانستان دارد. هدف مهم و جدی روسیه در افغانستان که دغدغه همیشگی آن نیز بوده، جلوگیری از گسترش بی‌ثباتی، تروریسم و مواد مخدر به آسیای مرکزی و خاک روسیه می‌باشد.

آنچه به باور برخی تحلیلگران در روابط ناتو و روسیه یک منطبق قابل دفاع را ترسیم کرده بازی برد-برد در همکاری و مشارکت متقابل است. وجود نگرانی‌های امنیتی مشترک با توجه به فضای امنیتی نوین نظام بین‌الملل همچون تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، و... طرفین را مجبور به اتخاذ یک استراتژی مشترک کرده به نحوی که اختلاف‌های ناتو و روسیه در خصوص مسئله گرجستان و افزایش دامنه گسترش ناتو، نتوانسته همکاری این دو بازیگر را قطع نماید.

بنابراین براساس تصویری از نظریه موازنه قدرت از منظر کنت والتز می‌توان اینگونه تحلیل نمود که نظم آنارشیک نظام بین‌الملل، ناتو و روسیه را مجبور ساخته تا جهت مقابله با تهدیدهای نوین بین‌المللی که توانایی برهم‌زدن امنیت هردوی این بازیگران را داشته به همکاری با یکدیگر پرداخته و موازنه قدرت حاکم بر نظام بین‌الملل را حفظ نمایند. در همین راستا با توجه به بیان والتز مبنی بر این که سیاست موازنه‌قوا هر جا که دو مسئله نظم آنارشیک و توافق کشورهای بی‌دولت باشد، غالب می‌گردد و بر این اساس می‌توان ادعان نمود که روسیه و ناتو برای حفظ بقای خود به همکاری در حوزه‌های مشترک تهدید امنیتی می‌پردازند. تغییر ساختار نظام بین‌الملل موجب تغییر چگونگی رفتار بازیگران و نتایج تعامل میان آنها خواهد شد. روسیه و ناتو می‌دانند که همکاری آنها در حوزه مسائل امنیتی به مراتب تهدیدهای نوین را خنثی می‌نماید و مفهوم نوین استراتژیک ناتو بر همین اساس درصدد نزدیکی این دو بازیگر می‌باشد تا از این طریق به حفظ امنیت نظام بین‌الملل نائل آید.

### منابع و مآخذ

- احدی، افسانه (۱۳۸۹)، "مفهوم استراتژیک نوین ناتو: آینده مناسبات فرآتلانتیک"، فصلنامه سیاست خارجی؛ (ویژه‌نامه ناتو)، سال بیست و چهارم.
- ازغندی، علیرضا و جلیل روشندل (۱۳۸۲)، *مسائل نظامی و استراتژیک معاصر*، تهران: انتشارات سمت.
- تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹)، "همکاری روسیه و ناتو در جریان مبارزه با مواد مخدر افغانستان: دلایل، شواهد و چشم‌اندازها"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۲.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۶)، *سیاست خارجی و استراتژیک کلان ایالات متحده*، تهران: نشر قومس.
- سازمند، بهاره و دیگران (۱۳۸۹)، "نظریه موازنه قدرت والتز: نقد و بررسی کارآمدی آن در عصر حاضر"، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره چهارم.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۳)، "سیاست‌ها و اقدامات امنیتی روسیه در خارج نزدیک"، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع؛ ویژه مسائل امنیتی، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- یاری، سعید (۱۳۸۹)، "روسیه، ناتو و جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست خارجی؛ (ویژه ناتو)، سال بیست و چهارم.

- Andreasen, Steven & Chalmers, Malcolm and Williams, Isabelle (2012), "NATO and Nuclear Weapons is a New Consensus Possible?" *Royal United Services Institut*, Available at: [http://www.rusi.org/downloads/assets/NATO\\_and\\_Nuclear\\_Weapons.pdf](http://www.rusi.org/downloads/assets/NATO_and_Nuclear_Weapons.pdf). Accessed on: 2012/06/19.
- Antonenko, Oksana & Yurgens, Igor (December 2010 –January 2011), "Towards a NATO–Russia Strategic Concept", *Survival*, Vol. 52, No. 6.
- "Active Engagement, Modern Defence" (2012), *NATO*, Available at: [http://www.nato.intcpsennatolivetopics\\_82705.htm](http://www.nato.intcpsennatolivetopics_82705.htm). Accessed on: 2012/06/21.
- Bagratuni, Mikayel (2012), "Russia and the 2010 NATO Strategic Concept: New Era of Partnership or Wishful Thinking?", *Canadian Defence & Foreign Affairs Institute*, Available at : <http://www.cdfai.org/PDF/Russia%20and%20the%202010%20NATO%20Strategic%20Concept.pdf>. Accessed on: 2012/07/21.
- Baltos, Luciana (2011), "NATO a new strategic concept", *Buletin Stiintific*.
- Gale A. Mattox (2012), "Resetting the US–Russian Relationship: is 'Cooperative Engagement' Possible?", *European Security*, Available at : <http://dx.doi.org/10.1080/09662839.2011.557365>. Accessed on: 2012/06/19.

- Goldgeier, James M (2012), "The Future of NATO", *Council on Foreign Relations, Council Special Report*, Available at: <http://www.cfr.org/nato/future-nato/p21044>. Accessed on: 2012/04/09.
- Grieco, John (1998), "Anarchy and Limit of Cooperation: A Realist of News Liberal Institutionalism", *International Organization*, Vol.42, No.3.
- Herman, Edward S. & Peterson, David (2012), "The Construction of the Iran 'threat'", *Cold Type*, Available at: <http://www.coldtype.net/Assets/09pdfs1109/Ed.Iran.pdf>. Accessed on: 2012/05/13.
- Hildreth, Steven A. (2012), "Missile Defense and NATO's Lisbon Summit", *Congressional Research Service*, Available at : <http://fpc.state.gov/documents/organization/154176.pdf>. Accessed on: 2012/07/17.
- Kay, Sean (2012), "NATO's Missile Defense – Realigning Collective Defense for the 21st Century", *The Dilemma of Modern Collective Defense*, Vol. XVII, No. 1, Spring 2012.
- NATO Briefing Countering Terrorism" (2012), *NATO*, Available at: [http://www.nato.int/nato\\_static/assets/pdf/pdf\\_2011\\_09/20110905\\_NATO\\_Briefing\\_Countering\\_Terrorism\\_EN.pdf](http://www.nato.int/nato_static/assets/pdf/pdf_2011_09/20110905_NATO_Briefing_Countering_Terrorism_EN.pdf). Accessed on: 2012/02/13.
- "NATO-Russia Council expands support to Afghan Air Force" (2013) *NATO*, Available at: [http://www.nato.int/cps/en/natolive/news\\_99887.htm](http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_99887.htm), Accessed on: 2013/05/07.NATO - News NATO-Russia Council expands support to Afghan Air Force, 23-Apr.-2013.htm.
- "Preparing for Chicago" (2012), *NATO*, Available at: [http://www.nato.int/cps/en/natolive/news\\_84287.htm](http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_84287.htm). Accessed on: 2012/08/19.
- Rachwald, Arthur R. (2011), "A 'Reset' of NATO–Russia Relations: Real or Imaginary?" *European Security*, Vol. 20, No. 1, 2011. <http://www.tandfonline.com/loi/feus20>.
- Sloan, Stanley R. (2008), "NATO Beyond Russia", In «NATO–Russia Relations in the Twenty-First Century», BY: Aurel Braun, *Routledge Contemporary Russia and Eastern Europe Series*.
- "Summit Meetings of Heads of State and Government"(2012), *NATO*, Available at: [http://www.nato.int/cps/en/natolive/events\\_66529.htm](http://www.nato.int/cps/en/natolive/events_66529.htm). Accessed on: 2012/01/16.
- "Tackling New Security Challenges" (2012), *NATO*, Available at: [http://www.nato.intcpsennatolivetopics\\_82708.htm](http://www.nato.intcpsennatolivetopics_82708.htm), Accessed on: 2012/06/19.
- "The Secretary General's Annual Report 2011" (2012), *NATO*, Available at: [http://www.nato.intcpsennatolivetopics\\_83731.htm](http://www.nato.intcpsennatolivetopics_83731.htm). Accessed on: 2012/06/19.
- "Two Anniversaries Mark Milestones in NATO-Russia Relations"(2012), available at *NATO*: [http://www.nato.int/cps/en/natolive/news\\_88158.htm](http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_88158.htm). Accessed on: 2012/01/17.

- "Towards the New Strategic Concept- A Selection of Background Documents"(2010), *NATO*, Available at: [http://www.nato.int/cps/en/natolive/topics\\_82717.htm](http://www.nato.int/cps/en/natolive/topics_82717.htm). Accessed on: 2012/06/21.
- "NATO and Afghanistan" (2012), *NATO*, Available at: [http://www.nato.int/cps/en/natolive/topics\\_8189.htm?](http://www.nato.int/cps/en/natolive/topics_8189.htm?), Accessed on: 2012/12/17.
- Wagnsson, Charlotte (2012), "NATO's Role in the Strategic Concept Debate: Watchdog, Fire-Fighter, Neighbour or Seminar Leader?", *Cooperation and Conflict*, Available at: <http://cac.sagepub.com/content/46/4/482.htm>. Accessed on: 2012/04/21.
- "Washington Treaty"(2012), *NATO*, Available at: <http://www.nato.int/cps/en/natolive/topics-67656.htm>. Accessed on: 2012/02/17.